

Psychological Studies

Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University

Vol.3, No.1, Spring 2007

pp. 7 – 20

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۵/۱۲/۱۶

تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۸۵/۰۳/۲۱

مطالعات روان‌شناختی

دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

دوره‌ی ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶

صص. ۷ - ۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۰۲/۲۴

A Survey and Comparison of Coping Strategies between Normal and Delinquent Adolescents in Tehran.

Mahnaz Afrasiabi, M.A

M.A in General Psychology.

Afrasiabi_2006@yahoo.com

Nasrin Akbarzadeh, Ph.D.

Department of Psychology, Al-Zahra University

Nvista 2001@yahoo.com

بررسی و مقایسه‌ی شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران

مهناز افراسیابی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی

دکتر نسرين اکبرزاده

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

Abstract

Objective: To investigate and compare the coping strategies in stressful situations in normal and delinquent adolescents.

Method: The CISS (Coping Inventory for Stressful Situations) by Endler and Parker, was administered to a sample of 175 adolescents (boys and girls aged 15-18years). 52 delinquents living in correctional center of Tehran, and 123 high school students of Tehran. The data was analyzed by (ANOVA)

Results: The coping strategies used by normal and delinquent adolescents (boys and girls) were significantly different. There were significant differences between the two groups of normal and delinquent adolescents in using coping strategies, regarding the gender factor. Conclusion: In this research, the significant difference in coping strategies in stressful situations between the normal and delinquent adolescents indicates the important impact of adequate coping styles with stress, as one of the preventive factors of delinquency in adolescents. Also as an asset for helping them to adjust with changes and stressors.

Key words: coping ; adolescents ; delinquency

چکیده:

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه‌ی شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران صورت گرفته است. روش: ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ی مقابله با موقعیت‌های استرس زا اندلر و پارکر (CISS) بود که در مورد نمونه‌ی تحقیق: ۱۷۵ نوجوان (دختر و پسر ۱۵-۱۸ ساله)، ۵۲ نفر حاضر در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و ۱۲۳ دانش‌آموز مقطع دبیرستان‌های تهران اجرا گردیده است. داده‌های حاصله از طریق آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: نتایج پژوهش حاضر حاکی از تفاوت معنادار میان شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار بوده است. همچنین در این پژوهش رابطه میان شیوه‌های مقابله با استرس و جنس در نوجوانان دختر و پسر عادی و بزهکار، معنادار بوده است. در این تحقیق تفاوت معنی‌دار بین شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار، بیانگر تأثیر مهم روش‌های مقابله با استرس به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و کمک به آنها در سازگاری با تغییرات و عوامل فشار زا است.

کلید واژه‌ها: مقابله با استرس؛ نوجوانی؛ بزهکاری

مقدمه:

استرس و فشارهای روانی از جمله عوامل لاینفک زندگی قرن ۲۱ هستند و چگونگی رویارویی و کنار آمدن با این عوامل به خصوص در سنین اولیه‌ی نوجوانی و جوانی در سلامت روانی افراد بسیار مهم است. علی‌رغم وجود فشارهای روانی در تمام مراحل زندگی، برخی از مراحل، از جمله مرحله‌ی نوجوانی به دلیل رویارویی با تغییرات همه‌جانبه‌ی جسمی، روانی و اجتماعی با فشار بیشتری همراه است.

نوجوان در مسیر رشد خود با مسائل متفاوتی روبه‌رو شده و سعی در کسب مهارت برای مقابله با رویدادهای زندگی را دارد. برخی از نظریه پردازان خاطر نشان ساخته‌اند که دختران و پسران نوجوان با تجارب متفاوتی از استرس روبه‌رو می‌شوند. دلیلی که به روشنی این تفاوت‌ها را منعکس می‌سازد، زمان جهش رشد^۱ است. به طور متوسط، دختران زودتر از پسران با این پدیده روبه‌رو می‌شوند و این خود نشان دهنده‌ی سطوح بالاتری از استرس در میان دختران نوجوان است. به دلیل تفاوت در نوع ارتباطات در دختران و پسران هر کدام به نوعی با استرس‌ها روبه‌رو بوده و شیوه‌های مقابله در دختران و پسران متفاوت است (فریدنبرگ^۲، ۱۹۹۷).

مفهوم مقابله برای مدت طولانی است که در روان‌شناسی مطرح بوده و شروع آن به صورت رسمی به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر می‌گردد. قبل از آن در دیدگاه روان‌تحلیل‌گری از اضطراب و مکانیزم‌های دفاعی برای مقابله با اضطراب بحث می‌گردید. این دیدگاه بیان می‌دارد که هر گاه عاملی توازن حساس من^۳ را تهدید کند و باعث متزلزل شدن آن گردد، زنگ خطری به صدا در می‌آید. این زنگ خطر، اضطراب نام دارد. هنگامی که اضطراب اتفاق می‌افتد « من » به یکی از این دو طریق پاسخ می‌دهد: اول تلاش‌های کنار آمدن منطقی با مشکلات طی کوشش برای برخورد بهتر با منشأ تهدید به طریقی افزایش می‌یابد. انتخاب دوم به کارگیری مکانیزم‌های دفاعی است. (لازاروس^۴، ۱۹۹۳).

دیدگاه‌های جدیدتر به مقابله در دهه‌ی ۸۰-۱۹۷۰ پدید می‌آید. در این دیدگاه‌ها مقابله به عنوان ارزیابی شناختی و نوعی واکنش شناختی در نظر گرفته می‌شود. از نظر فولکمن^۵ و لازاروس مقابله با استرس عبارت است از تلاش‌های فکری و رفتاری مسستری که برای

1- Growth spurt

2- E.Frydenberg

3- Ego

4- Lazarus, R.

5- Folkman, S.

برآوردن احتیاجات خاص بیرونی یا درونی فرد به کار می‌رود. این احتیاجات ممکن است مطابق یا افزون بر منابع و امکانات فرد باشد.

فرایند مقابله^۱، فرایندی پویا است و در برگیرنده‌ی اعمال زیادی می‌باشد و آشکار کننده‌ی راهبردها و خواسته‌های فرد در جهت تغییر است. این فرایند شامل مراحل زیر است:
 ۱- دریافت معنی، ارزیابی و سازمان بندی مجدد^۲ - حل مسئله و رفتار مناسب^۳
 ۳- راهبردهای حمایتی و مکانیزم‌های دفاعی^۴ (برامر و آبرگو^۵، وایت و وات^۶، ۱۹۸۱ وایت، ۱۹۸۹ به نقل از اکبرزاده ۱۳۷۶). شیوه‌های مقابله با فشار روانی می‌تواند به صورت مقابله‌ی مسئله مدار^۷، هیجان مدار^۸ یا اجتنابی^۹ باشد (اندلر و پارکر^{۱۰}، ۱۹۹۰).

بزهکاری نوجوانان با عوامل متعددی در ارتباط است. بیشتر عوامل اصلی در ارتباط با بزهکاری را می‌توان در دو نظریه‌ی اساسی روان‌شناختی و اجتماعی - فرهنگی طبقه بندی کرد. نظریه‌ی سوم نیز مربوط به عوامل زیستی می‌گردد که علل بزهکاری را در عوامل زیستی شیمیایی ناشی از آسیب مغزی، اختلالات کروموزومی یا تغذیه‌ی نا مناسب می‌داند. (مدنیک^{۱۱}، ۱۹۸۵ به نقل از وایت ۱۹۸۹).

نظریه‌های روان‌شناختی، ریشه‌های رفتار بزهکارانه را در تعارض‌های حل نشده هیجانی و عاطفی افراد جستجو می‌کنند. روابط آشفته‌ی والد - فرزندی و عدم حمایت عاطفی کافی مانع حل موفقیت آمیز تکالیف روانی - اجتماعی دوره نوجوانی می‌گردد که شامل رشد اعتماد، صمیمیت، احترام به خود، کنترل تکانه‌ها، درونی سازی ارزش‌ها و مقررات والدین است. بر اساس این نظریه، رفتار بزهکارانه مکانیزم دفاعی یا راهبرد مقابله‌ای است که برای سرکوبی احساس شک، شرم و ترس از نرسیدن به اهداف مورد انتظار به کار می‌رود (زابر^{۱۲}، ۱۹۸۱؛ کاوینگتون^{۱۳}، ۱۹۸۳ به نقل از وایت ۱۹۸۹).

-
- 1- Coping
 - 2- Meaning, Appraisal and Reframing
 - 3- Problem solving and Competent Action
 - 4- Protective strategies and Defense mechanisms
 - 5- Bramer & Abergó.
 - 6- White, J. & What
 - 7- Problem-focused
 - 8- Emotion-focused
 - 9- Avoidance-focused
 - 10- Endler, N. S. & Parker, J. D.A.
 - 11- Mednick
 - 12- Zober
 - 13- Covington

نظریه‌های اجتماعی - فرهنگی بر این فرض استوارند که رفتار بزهکارانه می‌تواند مانند رفتارهای بهنجار در طول فرایندهای عادی یادگیری اجتماعی مانند تقویت، الگو برداری، تقلید و همانند سازی شکل گیرد. بر اساس این نظریه در هر فرد ظرفیت بالقوه‌ی رفتار قانون شکنی وجود دارد که کنترل‌های اجتماعی از بروز آن جلوگیری می‌کند. هنجارهای اجتماعی حدود رفتار و راه مناسب ارضای احتیاجات، آرزوها و خواسته‌های آنی را معین می‌نماید (وایت، ۱۹۸۹).

آیزنک در نظریه‌ی خود دو بعد اساسی شخصیت، یعنی درون‌گرایی و برون‌گرایی را در یک طیف و نوروتیسم را در طیف دیگر از نا پایداری - پایداری قرار می‌دهد. به عقیده‌ی وی کسانی که شخصیت نوروتیک دارند بیشترین احتمال را برای خصوصیات و رفتارهای انحرافی دارند. آیزنک سعی بر آن داشت که نتایج مذکور را توسط رویکرد چند عاملی شامل عوامل زیستی، فردی و اجتماعی بررسی و تفسیر نماید. به نظر آیزنک از نظر زیستی در بعضی افراد قسمت‌های خاصی از کرتکس مغز بر توانایی یادگیری یا سازگاری با محرک‌های محیطی در این افراد اثر می‌گذارد. کرتکس مغز در افراد برون‌گرا کمتر تحریک شده و این افراد از طریق رفتار تکانشی در جستجوی محرک بر می‌آیند. از طرف دیگر کرتکس مغز در افراد درون‌گرا بیش از حد تحریک شده با روش آرام و کنترل شده از تحریکات اجتناب می‌نمایند. به نظر وی، برون‌گراها کمتر از درون‌گراها شرطی می‌شوند. بنابراین کمتر می‌توان بر توانایی آنها در رشد وجدان اخلاقی و رفتار قابل قبول تأثیر گذاشت (آیزنک^۱، ۱۹۶۴ به نقل از مانسی^۲ ۱۹۹۹).

نظریه‌های روان‌کاوی در مورد بزهکاری نوجوانان به ناتوانی آنها در مورد کنترل رفتارهای لذت‌جویانه اشاره می‌نمایند. برخی شواهد این تصور را به وجود می‌آورند که بزهکاری را می‌توان به عنوان یک نوع رفتار حل مسئله در پاسخ به فشارهای نوجوانی محسوب نمود. حتی برخی یافته‌ها نشان می‌دهند که پاسخ‌های بزهکارانه از نظر مرتکبین آنها، یک نوع وسیله‌ی مؤثر برای مقابله‌ی کوتاه مدت است (برزینا^۳، ۲۰۰۰).

کامپاز^۴ (۱۹۸۸) در تحقیقات خود به این مورد اشاره داشته است که شیوه‌های مقابله‌ای در دختران و پسران متفاوت بوده و دخترها بیش از پسران هیجان‌مدار هستند. اولاه^۵ (۱۹۹۵) نیز به بررسی راهبردهای مقابله‌ای در میان نوجوانان و تأثیر فرهنگ بر نوع این راهبردها پرداخته است. نتایج وی نشان داد که در همه‌ی فرهنگ‌های مورد پژوهش و در هر دو جنس نوجوانان

1- Eysenck

2- Muncie ,J.

3- Brezina,T.

4- Compaz

5- Olah ,A.

دارای سطح اضطراب پایین و متوسط روش‌های مقابله‌ای مسئله‌مداری را به کار برده و نوجوانان دارای سطح اضطراب بالا از روش اجتنابی بیشتر استفاده کرده‌اند. همچنین وی ادعان می‌دارد که فرهنگ پیشینه و زمینه‌ی عمومی یادگیری سبک‌های متفاوت مقابله‌ای را در نوجوانان شکل می‌دهد. بولگر^۱ (۱۹۹۵) در تحقیقات خود بیان می‌دارد که صفات شخصیتی افراد بر راهبردهای مقابله‌ای که انتخاب می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. همچنین راهبردهای مقابله‌ای بر برون‌دادهای هیجانی افراد مؤثر هستند. بولوگینینی و پلانکریل^۲ (۱۹۹۵) نیز در تحقیقات طولی خود به بررسی بهداشت روانی و عوامل حمایتی در نوجوانان پرداخته و ارتباط معناداری را میان راهبردهای مقابله‌ای و سلامت و بهداشت روانی افراد به دست آورده‌اند که عامل جنس نیز در این میان مؤثر بوده است. دی آندا و برادلی^۳ (۱۹۹۷) در تحقیق خود تجربیانی از استرس، استرس زها و راهبردهای مقابله‌ای را در نوجوانان دبیرستانی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش تفاوت‌های جنسیتی را خاطر نشان ساخته و نشان داده است که دختران سطوح بالاتری از استرس را تجربه کرده، همچنین راهبردهای مقابله‌ای متفاوت از پسران را در مقابل این استرس‌ها نمایش داده‌اند.

فلورین، میکی لینسر و تابمن^۴ (۱۹۹۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت دل‌بستگی در افراد پیش‌بینی‌کننده، پاسخ‌های مشخص به استرس و شیوه‌ی تسلط‌یابی بر مشکل و کنار آمدن با حوادث فشارزا است.

مولاک، پوری، ماتلین، بارکسدیل^۵ (۲۰۰۶) در یک پژوهش ارتباط میان رفتارهای خودکشی و مقابله‌های مذهبی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیقات آنها نشان داده است در حالی که افسردگی و ناامیدی عوامل خطر ساز برای افکار و رفتارهای خودکشی در میان نوجوانان هستند، به نظر می‌رسد مداخله‌ها و مقابله‌های مذهبی نوجوانان را از ارتکاب آن حفظ می‌نمایند. عامل جنس نیز در این میان تأثیر گذار بوده است. به طوری که تفاوت‌های جنسیتی در نشانه‌های افسردگی، مدل‌های مقابله‌ای مذهبی و مداخله‌های مذهبی وجود داشته است.

لوی^۶ (۱۹۹۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که رفتارهای بزهکارانه جدی‌تر در افراد بزهکار باعث خودپنداره منفی‌تر در این افراد شده و این خود زمینه‌ی رفتارهای بزهکارانه را در این افراد قوی‌تر می‌سازد. میلر، تری^۷ و همکاران (۱۹۹۹) به بررسی ارتباط بین

1- Bolger, N

2- Bologinini, M. & Plancerel, B

3- De Ande, D. & Bradley, M.

4- Florian, V., Micky Lincer, M. & Tabman, O.

5- Molock, Sh. D., Puri, R., Matlin, S. & Barksdale, C.

6- Levy, K.

7- Miller, Johnson, & Terry, R.

طرد همسالان در دوران کودکی و پرخاشگری و نوع بزهکاری نوجوانان پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که این عوامل با جنس افراد در ارتباط هستند. در پسران ارتباط بین طرد همسالان و پرخاشگری و شدت و نوع بزهکاری بسیار قوی‌تر از دختران است. راجکین، ایسمن وها گلف^۱ (۱۹۹۹) در یک پژوهش به مقایسه و بررسی مدل‌های مقابله‌ای در نوجوانان عادی و بزهکار پرداخته‌اند. آنان همچنین تأثیر صفات شخصیتی و شیوه‌های تربیتی والدین را نیز در نظر داشته‌اند. نتایج تحقیقات آنان، تفاوت معناداری را در مدل‌های مقابله‌ای در نوجوانان عادی و بزهکار نشان داده است. همچنین این تحقیق اثر تعاملی بالایی را میان ابعاد شخصیتی و شیوه‌های تربیتی در رشد مدل‌های مقابله‌ای در نوجوانان ارائه کرده است.

برزینا^۲ (۲۰۰۰) نیز در طی پژوهش‌هایی عنوان داشته است که رفتارهای بزهکارانه اغلب به عنوان یک پاسخ مؤثر قابل قبول برای مقابله‌ی کوتاه مدت از طرف بزهکاران در نظر گرفته می‌شود. ناس، دی کاسترو، کوپس^۳ (۲۰۰۵) طی تحقیقی به مقایسه و بررسی شیوه‌های پردازش اطلاعات اجتماعی و هوش در نوجوانان عادی و بزهکار پرداخته‌اند و این نتایج را عنوان داشته‌اند که در نوجوانان بزهکار مشکلات رفتاری بیرونی و پرخاشگری بیشتری نسبت به نوجوانان عادی با سطح هوشی بالاتر وجود دارد، اما این رفتارهای واکنشی در گروه بزهکاران الزاماً از گروه نوجوانان عادی با سطح هوش پایین‌تر بیشتر نبوده است. نتایج تحقیق آنان ارتباط مستقیم میان پردازش اطلاعات اجتماعی و هوش را در نوجوانان نشان داده است.

به طور کلی، بررسی نظریه‌های مذکور و تحقیقات انجام شده اشاره به وجود تفاوت در زمینه‌های عاطفی - اجتماعی، یادگیری، کنترل تکانه‌ها و خواسته‌های آنی، نحوه پردازش اطلاعات اجتماعی و ارزیابی‌های شناختی و نحوه‌ی حل مسئله و در نتیجه نحوه‌ی مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار دارد. این موضوع زیر بنای منطقی فرض‌های تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش، پاسخ گویی به دو پرسش است:

۱ - آیا شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت دارد؟

۲- آیا شیوه‌های مقابله با استرس در دختران و پسران تفاوت دارد؟

1- Ruchkin, V., Eisemann, M. & Haggolf, B.

2- Berzina, T.

3- Nas, C.N. & De Castro, B.O., Koops, W.

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل همه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دوره متوسطه در شهر تهران و همچنین نوجوانان دختر و پسر حاضر در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران است.

در پژوهش حاضر جهت انتخاب گروه نوجوانان عادی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین منظور، از میان مناطق نوزده‌گانه‌ی آموزش و پرورش شهر تهران مناطق ۶ و ۱۸ بعنوان معرف مناطق مرکزی و جنوبی شهر تهران انتخاب شدند. سپس با مراجعه به ادارات آموزش و پرورش مناطق مشخص شده، در هر منطقه، یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی از میان مدارس این مناطق در نظر گرفته شد. پس از مراجعه به مدارس مذکور، از میان دانش‌آموزان مشغول به تحصیل سال‌های اول دوم و سوم متوسطه به صورت تصادفی از هر پایه ۱۰-۱۲ نفر و در مجموع تعداد ۱۲۳ دانش‌آموز (۶۰ دختر و ۶۳ پسر) انتخاب و پرسش‌نامه جهت پاسخ‌دهی به آنها داده شد.

در گروه نوجوانان بزهکار با مراجعه به کانون اصلاح و تربیت شهر تهران از میان نوجوانان حاضر در آنجا با توجه به تعداد افراد حاضر ۵۲ نفر (۴۱ پسر و ۱۱ دختر) با روش تصادفی ساده و بدون توجه به نوع بزه آنها انتخاب شدند. لازم به ذکر است که تعداد محدود نمونه‌ها در گروه بزهکاران به خصوص در دختران با توجه به تعداد محدود نوجوانان حاضر در کانون است که این امر باعث تفاوت تعداد افراد نمونه‌های نوجوانان عادی و بزهکار در پژوهش حاضر شده است.

گستره‌ی سنی آزمودنی‌ها در هر دو گروه عادی و بزهکار، ۱۸-۱۵ سال است. میانگین سن گروه نوجوانان عادی ۱۶/۲ سال و انحراف معیار آنها ۱/۰۱ و میانگین سن گروه نوجوانان بزهکار ۱۶/۶ سال و انحراف معیار آنها ۱/۰۴ است.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی مقابله با استرس در موقعیت‌های استرس‌زا^۱ (CISS) است که توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) ساخته شده است. این پرسش‌نامه، دارای ۴۸ عبارت است که پاسخ‌های هر کدام با مقیاس لیکرت به ترتیب، با، خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. آزمون، سه زمینه‌ی اصلی

1- Coping Inventory for Stressful Situation

رفتارهای مقابله‌ای را در بر می‌گیرد: مقابله‌ی مسئله مدار، مقابله‌ی هیجان مدار و مقابله‌ی اجتنابی. هر آزمودنی که در یکی از سبک‌های مقابله نمره بالاتری کسب کند آن سبک مقابله‌ای را بیشتر به کار می‌گیرد. اندلر و پارکر ضریب آلفای کرونیخ را برای عامل مقابله‌ی مسئله مدار از ۰/۹۰. برای دختران نوجوان تا ۰/۹۲. برای پسران نوجوان و برای عامل مقابله‌ی هیجان مدار از ۰/۸۵. برای دختران تا ۰/۸۲. برای پسران و برای عامل مقابله‌ی اجتنابی از ۰/۸۲. برای دختران تا ۰/۸۵. برای پسران گزارش کرده‌اند. این پرسش نامه اولین بار در ایران توسط اکبرزاده ترجمه و مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. از آن پس در پژوهش‌های متعدد اعتبار آن سنجیده شده است. از جمله قریشی (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود ضریب آلفای کرونیخ را در حد بالایی (۰/۸۱۳۳ = آلفا) به دست آورده است.

روش اجرای پژوهش

این پژوهش به صورت گروهی اجرا شده است، بدین صورت که پس از بیان توضیحاتی درباره شیوه‌ی پاسخ به پرسش‌ها، پرسش نامه‌ها به نمونه ارائه شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

جدول شماره (۱) درصد فراوانی توزیع سنی دو گروه نمونه نوجوانان عادی و بزهکار دختر و پسر را در تحقیق حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۱- درصد، فراوانی و توزیع سنی در گروه نمونه‌ی نوجوانان عادی و بزهکار

کل سطری		بزهکار				عادی				گروه سن
		پسر		دختر		پسر		دختر		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۹/۱۴	۵۱	۳/۴۳	۶	۲/۸۶	۵	۸/۱۷	۱۵	۱۴/۲۹	۲۵	۱۵ سال
۳۱/۴۳	۵۵	۵/۵۱	۹	۱/۷۱	۳	۱۴/۸۶	۲۶	۹/۷۱	۱۷	۱۶ سال
۳۹/۴۳	۶۹	۱۴/۸۶	۲۶	۱/۷۱	۳	۱۲/۵۷	۲۲	۱۰/۲۹	۱۸	۱۷ و ۱۸ سال
۱۰۰	۱۷۵	۲۳/۴۳	۴۱	۶/۲۸	۱۱	۳۶	۶۳	۳۴/۲۹	۶۰	کل ستونی

جدول (۲) میانگین نمرات هر یک از دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار را در شیوه‌های مقابله‌ای به صورت جداگانه نشان می‌دهد.

جدول ۲- میانگین نمرات نوجوانان عادی و بزهارک در شیوه‌های مقابله‌ای

بزهارک		عادی		گروه‌ها
پسر	دختر	پسر	دختر	
میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	شیوه‌های مقابله
۵۱/۴۵	۵۰/۹	۵۳/۹۱	۵۶/۰۵	مقابله‌ی مسئله مدار
۵۱/۳۵	۵۸/۳	۴۲/۸۰	۴۸/۵۸	مقابله‌ی هیجانی
۴۸/۶۵	۵۷/۲	۴۱/۸۳	۴۳/۴۲	مقابله‌ی اجتنابی

جدول (۳) داده‌های مربوط به تفاوت میان شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهارک دختر و پسر را نشان می‌دهد.

جدول ۳- درصد و فراوانی توزیع شیوه‌های مقابله با بحران در نوجوانان عادی و بزهارک

کل سطری		اجتنابی		هیجان مدار		مسئله مدار		شیوه‌های مقابله
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۷۰/۲۸	۱۲۳	۱۶/۲۶	۲۰	۲۲/۷۶	۲۸	۶۰/۹۸	۷۵	عادی
۲۹/۷۲	۵۲	۲۱/۱۶	۱۱	۳۰/۷۷	۱۶	۴۸/۰۸	۲۵	بزهارک
۱۰۰	۱۷۵	۱۷/۷۱	۳۱	۲۵/۱۴	۴۴	۵۷/۱۴	۱۰۰	کل ستونی

داده‌های جدول (۳) توسط آزمون تحلیل واریانس دو عاملی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته که نتایج در جدول (۴) به صورت خلاصه بیان شده است.

جدول ۴- خلاصه اطلاعات واریانس دو عاملی تفاوت شیوه‌های مقابله‌ای در نوجوانان عادی و بزهارک

مقدار P	مقدار F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	منبع پراکندگی
۰/۰۱	۴۱/۸۷	۴۵۳/۴۱	۹۰۶/۸۲	۲	شیوه‌های مقابله (A)
۰/۰۱	۵۱/۱۷	۵۵۴/۲۴	۱۶۶۳/۷۲	۳	گروه‌های نمونه‌ای (B)
۰/۰۵	۱۱/۲۰	۱۲۱/۳۲	۷۲۷/۹۴	۶	شیوه‌ها در گروه‌ها (B*A)
		۱۰/۸۳	۵۶۲۳/۸	۵۱۹	درون گروه‌های شیوه - گروه

با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته مشاهده می‌شود که تفاوت میان نوجوانان عادی و بزهارک دختر و پسر در متغیرهای A (شیوه‌های مقابله‌ای)، B (گروه‌های نمونه‌ای) و B * A (شیوه در گروه‌ها) در تحقیق حاضر معنادار بوده است، و فرضیه‌ی اول پذیرفته می‌شود.

جهت بررسی تفاوت شیوه‌های مقابله‌ای در دختران و پسران نیز از آزمون تحلیل واریانس دو عاملی استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) به صورت خلاصه بیان شده است:

جدول ۵- خلاصه‌ی اطلاعات تحلیل واریانس دو عاملی تفاوت شیوه‌های مقابله‌ای در دختران و پسران

منبع پراکندگی	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجموع مجزورات	مقدار F	مقدار P
شیوه‌های مقابله (A)	۲	۱۲۶۹/۰۳۷	۶۳۴/۵۲	۲۷/۱۱	۰/۰۱
جنس (B)	۳	۸۳۶/۲۵	۲۷۸/۷۵	۱۱/۹۱	۰/۰۱
شیوه‌ها در جنس (A*B)	۶	۶۰۸/۲۲	۱۰۱/۴۴	۴/۳۳	۰/۰۵
درون گروه‌های شیوه - جنس	۵۱۹	۲۱۴۸	۲۳/۴		

نتایج نشان می‌دهد که تفاوت میان دختران و پسران در متغیرهای A (شیوه‌های مقابله‌ای) B، (جنس) و A*B (شیوه‌ها در جنس) معنادار بوده و به این ترتیب فرضیه‌ی دوم نیز تأیید شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی انواع شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار سعی در دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی شناخت رفتارهای نوجوانان داشته است.

نتایج تحقیق حاضر مؤید استفاده‌ی نوجوانان عادی و بزهکار از شیوه‌های متفاوت مقابله‌ای در مواجهه با شرایط استرس‌زا است و با یافته‌های راجکین، ایسمن، هاگلف (۱۹۹۹)، ناس، دی کاسترو، و کوپس (۲۰۰۵) همانندی دارد. با توجه به داده‌های به دست آمده مشاهده می‌شود که میانگین نمرات نوجوانان عادی در شیوه‌ی مسئله‌مداری بالاتر از شیوه‌های هیجان‌مداری و اجتنابی است، در حالی که در نوجوانان بزهکار نمرات شیوه‌ی هیجان‌مداری و اجتنابی به خصوص در گروه دختران بیشتر است و این امر نشان دهنده‌ی استفاده‌ی بیشتر این گروه از شیوه‌های هیجانی و اجتنابی است که این مسئله را می‌توان ناشی از عدم کنترل یا ضعف کنترل در رفتارهای تکانشی در آنان دانست و این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات بعدی باشد. در تئوری روان‌کاوی نیز به این مورد اشاره شده است که وجود رفتارهای بزهکارانه در افراد بزهکار را می‌توان ناشی از ناتوانی این افراد در کنترل رفتارهای لذت‌جویانه دانست. بنابراین، طبق یافته‌های برزینا (۲۰۰۰) حتی می‌توان رفتارهای بزهکارانه را در این افراد به نوعی یک وسیله‌ی مؤثر برای مقابله‌ی کوتاه مدت در نظر گرفت.

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان با جنس آنان ارتباط داشته است. نتیجه‌ی حاضر در تأیید نتایج تحقیقات قبلی است. کامپاز (۱۹۸۸) در تحقیقات خود به تفاوت شیوه‌های مقابله‌ای در دختران و پسران و ارتباط شیوه‌های مقابله‌ای و جنس در نوجوانان اشاره دارد. بولوگینینی، پلانکریل، (۱۹۹۵) نیز در تحقیقات خود به تأثیر جنس بر راهبردهای مقابله‌ای و سلامت و بهداشت روانی و عوامل حمایتی در نوجوانان اشاره داشته‌اند.

دی آنداوبرادلی (۱۹۹۷) نیز در تحقیق خود تفاوت‌های جنسی در راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و خاطر نشان ساخته‌اند که دختران و پسران با تجربه‌های متفاوتی روبه‌رو بوده‌اند، بنابراین راهبردهای متفاوتی را نیز به کار می‌برند. مولاک، ماتلین، باکسدیل (۲۰۰۶) نیز تأثیر جنس بر نشانه‌های افسردگی، مدل‌های مقابله‌ای مذهبی و مداخله‌های مذهبی در افکار و رفتارهای خود کشی در میان نوجوانان را در تحقیقات خود نشان داده‌اند.

نتایج این پژوهش به روشنی بیان می‌دارد که روش‌های مقابله‌ای مناسب، به خصوص در دوران حساس نوجوانی که نوجوانان با شرایط بحرانی بیشتر و جدیدتری روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند آنها را دربرخورد و حل مشکلاتشان کمک بسیاری نماید.

با توجه به اهمیت روش‌های مقابله با استرس در رفتار سازگاران‌هی نوجوانان و امکان آموزش این روش‌ها در سال‌های اخیر می‌توان در گروه نوجوانان عادی به عنوان اقدامات پیشگیرانه و در کانون‌های اصلاح و تربیت به عنوان یکی از روش‌های درمانی - آموزشی به نوجوانان بزهکار روش‌های مقابله‌ای مناسب را آموزش داد.

منابع:

افراسیابی، م. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط میان پایگاه‌های هویت شغلی و سبک‌های مقابله با بحران با سطوح رابطه‌ی خود - دیگری در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران / پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد / دانشگاه الزهرا
اکبر زاده، ن. (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری (روان‌شناسی رشد و تحول)، ناشر مؤلف - چاپ اول.

- Bolger, N. (1995). Coping as Personality Process: A prospective Study *Journal of personality and social psychology*. vol 56./ No 3: / 525 – 573
- Boloqini, M. & Plancerel, B. (1995). Coping and Mental Health in Adolescence. *Journal of adolescence*. vol 23 / No. 18./ 459 – 479.
- Berzina, T. (2000). Delinquent Problem-solving An Interpretive Framework for Criminological Theory and Research. *Journal of Research in crime and delinquency* .37 /No.1/ 3-30.
- Compas, B. (1988). Coping With Stressful Events in Older Children and Young Adolescent. *Journal of counseling and clinical psychology*. 50 / No 30. / 405-444.
- De Anda, D. & Bradley, M. (1997). A Study of Stress, Stressor and Coping Strategies. *Social work in Education*. 19. / Issue 2. P78, 12P, 3 charts.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). *Coping inventory for stressful situations. (ciss): Manual Multi-Health System*.
- Florian, V. & Micky lincer, M., Tabman, O. (1995). Does Hardiness Contribute to Mental Health During a Stress Real Lift Situation. *Journal of personality and social psychology*. 68 /. No 4. /687-694.
- Frydenberg, E. (1997). *Adolescent Coping*. (Theoretical and research perspective) .London:Routledg.Chapter 2. /P25-47.
- Ghoreishi, F. (2002). *Confrontation des Crises Chez des Adolescents, Contribution Á létude de la Variabilite Inter Culturelle*. (France Et Iran). Universite Paul Valery Montpellier France.
- Lazarus, R. (1993) *Stress, Appraisal and Coping Capaciteies, Coping Theory and Research Psychosomatic Medicine*. No 55. / p234-247.

- Levy, K.St.C. (1997). Multifactorial Self-Concept and Delinquency in Australian Adolescents. *Journal of Social psychology*. vol.37 /No.3 /P277-283.
- Miller, J. & Terry, R., Coie, J.D, M., Aumarry Gremaud, A., & Lochman, J.(1999). Relationship between Childhood peer Rejection and Aggression and Adolescent Delinquency Severity and Type Among American Youth. *Journal of Emotional & Behavioral Disorders*. 7./Issue 3, P137, 10p.2charts.
- Molock, Sh. D. & Puri, R., Matlin, S., Barksdale, C. (2006). Relationship Between Religious Coping and Suicidal Behaviors Among African American Adolescents. *Journal of Black Psychology*. 32/No.3/P.366-389.
- Muncie, J.(1999). *Youth and Crime*. SAGE Publications LTD. London:[S.n.n.d].first published.p.92-96.
- Nas, C.N & De Castro, B.O., Koops, W. (2005). *Social Information Processing in Delinquent adolescents*. Routledge /part of the Taylor & Francis Group.. P.363-375.
- Olah, A. (1995) Coping Strategies, Among Adolescents Across Culture Study. *Journal of personality and psychology*. 88 / No 4. /P637-695.
- Ruchkin,V. & Eisemann, M., Hagglof, B. (1999).Coping Styles Delinquent of Adolescents and Controls:The Rol of Personality and Parental Rearing. *Journal of youth and adolescent*. 28/No.6/P.705-717.
- Withe, J.L. (1989). *The Troubled Adolescent*. Pergamon press. Inc./P306 - 315.

